

چرا کتابمقدس کلام خداست؟

به قلم: گوردن لیندسی

مترجم: ط. میکایلیان

1976 میلادی

مقدمه

خدا توسط کتابمقدس به انسان سخن می گوید . انسان می تواند بوسیله خواندن و مطالعه کتابمقدس با خدا صمیمانه گفتگو کند و مطالبی از او بیاموزد . کتابمقدس را مردانی نوشته اند که روح القدس آنها را راهنمایی و رهبری کرده است . ن.یسنده کتابمقدس فقط يك نفر نبوده بلکه خدا عده زیادی را بکار برده است تا کتابمقدس نوشته شود ولی با وجود این تمام قسم های آن با یکدیگر مطابقت دارند و مکمل یکدیگر می باشند.

خدای واحد حقیقی ، خالق تمام کائنات می باشد . او انسان را به این منظور خلق فرمود که دوست و همدم وی باشد . ولی شیطان پلید ، که از خدا و مخلوقات وی نفرت داشت ، نزد انسان آمد و برای فریب دادنش به وی گفت که اگر از اطاعت خدا سرپیچی کند ، مانند خدا پر از دانایی و حکمت خواهد شد .

بدین طریق انسان با این عمل از حضور خدا دور شد . ولی وقتی انسان خود را جدا دید و از دوستی و رفاقت با خدا محروم شد ، متوجه شد که نه فقط مانند خدا نشده بلکه زندگانش بی معنی و باطل گردیده است . انسان سقوط کرده بود و دیگر نمی توانست با خدا نزدیک باشد . تا امروز هم زندگی انسان پر از غم و غصه و نومیدی است زیرا انسان بوسیله نیروی شرارت یعنی شیطان فریب خورده است .

دردناکتر از همه اینست که وقتی بدن انسان می میرد ، روحش که از خدا جدا می باشد ، نمی تواند در ملکوت خدا که پر از صلح و صفا و شادمانی بی حد است ساکن گردد بلکه به ملکوت شیطان (یا جهنم) که پر از بی نظمی و نفرت و شرارت و عذاب می باشد خواهد رفت .

ولی خدا انسان را دوست دارد و به همین دلیل نقشه ای طرح فرمود که انسان بتواند از مجازات جدایی از خدا خلاص شود. خدا فرزند یگانه خود یعنی عیسی مسیح را به صورت انسان به جهان فرستاد تا بتواند طعم مرگ و جدایی از خدا را بچشد و بدین طریق مجازات ما را بر دوش بگیرد . بوسیله قبول کفاره مسیح که بجای ما جان داد و بوسیله قبول فرمانروایی روح القدس در زندگی خودمان می توانیم لطف و محبت الهی را بسوی خود جلب نماییم . عیسی مسیح وقتی در این جهان بود چنین فرمود : « من راه و راستی و حیات هستم . هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید» (یوحنا 6:14) . این است راه نزدیک شدن به خدا و استفاده از برکات وی .

ما حتی در موقعی که در این جهان خاکی زندگی می کنیم می توانیم حضور روح القدس را احساس و درک نماییم و وقتی بدن ما بمیرد خدا بدن پر جلال جدیدی به ما خواهد داد . در آن موقع تا ابدالابد با خدا زندگی خواهیم کرد .

این حقایق را از کجا می دانیم ؟ خدا خودش را و نقشه خود را توسط کتابمقدس آشکار فرموده است . روح القدس به عده ای از پیامبران و مردان خدا الهام فرمود که قسمتهای مختلف کتاب

مقدس را بنویسند . منظور خدا اینست که خود را به عنوان خدای واحد و مهربان و پر محبت آشکار سازد و نشان دهد که تمام مردم را دوست دارد . هر چند انسان از خدا دور شد و از اطاعت وی سرپیچی کرد ولی خدا نسبت به ما بقدری محبت داشت که برای پیامبران قدیم را به مدت 1500 سال الهام بخشید تا آنها نقشه او را که برای برگرداندن انسان به سوی خود کشیده بود به مردم اطلاع دهند . خدا توسط پیامبران پیشگویی فرمود که فرزند یگانه خود عیسی مسیح را خواهد فرستاد تا بشر را از بیچارگی و ظلمت نجات دهد .

این پیشگویی یا پیام نجات مدتها قبل از تولد مسیح در عهد عتیق پیت گردید . سپس در حدود 1900 سال پیش ، طبق وعده هایی که از طرف خدا داده شده بود ، مسیح به جهان آمد . عهد جدید عبارتست از مژده آمدن عیسی مسیح که امید جهان و نور عظیمی است که انسان را از ظلمت و نومیدی رهایی بخشد .

کتاب های دیگر ممکن است سودمند باشند ولی فقط کتابمقدس راه حیات جاودانی را با خدا را نشان میدهد و می گوید که چگونه می توانیم در این دنیا زندگی پیروزمندانه ای داشته باشیم . چون خدا خالق ما است به همین دلیل ما را خیلی بهتر از خودمان می شناسد . ممکن است اشخاص حکیم و دانشمند بتوانند قوانین و مقررات بسیار خوبی وضع نمایند ولی دانش و معلومات آنها محدود است . خدای ما همه چیز را می داند و تمام قدرت در آسمان و زمین در دست اوست و مهمتر از همه اینکه او تمام مردم را دوست می دارد.

فصل اول

چرا کتابمقدس کلام خداست ؟

دلیل اول – در تمام قسمتهای آن هماهنگی و وحدت عجیبی وجود دارد

کتابمقدس شامل شصت و شش کتاب جداگانه است که توسط بیش از سی نفر به سه زبان مختلف نوشته شده است . این سه زبان عبارتند از : عبری ، آرامی و یونانی. این کتاب ها در ظرف مدتی در حدود 1600 سال از طبقات گوناگون بودند و غالباً با یکدیگر تماسی نداشتند . غالب آنها با سازماندهی مذهبی زمان خود در تماس نبودند .

کتابی که بیش از سی نویسنده داشته باشد ، که هر کدام در زمان متفاوتی زندگی کرده و در شرایط مختلفی آثار خود را بوجود آورده باشند ، طبیعتاً باید هیچ نوع هماهنگی و وحدتی نداشته باشد . ولی بر عکس در کتابمقدس پیوستگی عقاید و وحدت و هماهنگی عجیبی وجود دارد . يك موضوع بسیار مهم در کتابمقدس دیده می شود که بتدریج آشکار می گردد و آن عبارتست از رهایی توسط مسیح .

ممکن است بعضی مطالب ظاهراً ضد و نقیض بنظر برسند ولی وقتی آنها را به دقت مطالعه می نماییم متوجه می شویم که با یکدیگر بطرز عجیبی هماهنگی دارند و این خود دلیلی بر صحت کتابمقدس است .

مطابقت و هماهنگی مطالب کتابمقدس را در نظر می‌گیریم یک طرح بسیار جالب و هماهنگ بوجود می‌آید که دارای تناسب و زیبایی حیرت‌انگیزی است. دلیل این امر چیست؟ تنها دلیل قانع‌کننده اینست که در پشت صفحات کتابمقدس معرفت و فکر خارق‌العاده الهی وجود دارد. کتابهای مختلف کتابمقدس به دو قسمت مهم تقسیم شده‌اند: عهد عتیق و عهد جدید. در عهد عتیق موضوع مهم عبارتست از پیشگویی آمدن شخصی که هدفش رهایی و دستگیری انسان است و همان عیسی مسیح فرزند یگانه خدا می‌باشد. عهد جدید توسط شاگردان نزدیک عیسی مسیح نوشته شد. عیسی مسیح بصورت انسان به این جهان آمد تا جان خود را فدا سازد. بعد از سه روز از مرگ بر خاست تا به مردم حیات ابدی عطا کند.

کتابمقدس به طرز عجیبی حفظ شده است

بطوریکه اشاره شد، پیامبران قدیم با الهام روح القدس سخن گفتند (دوم پطرس 1:19-21). کلام آنها نوشته شد و برای نسلهای آینده حفظ گردید. بدیهی است که در آن موقع صنعت چاپ وجود نداشت. بعضی از نوشتجات اولیه احتمالاً بر روی لوحه‌های گلی نوشته شد و نمونه‌هایی از آنها توسط باستان‌شناسان در سرزمین بابل کشف گردیده است. بعضی بر روی چرم نوشته شد. این نوشتجات بشکل طومار بودند. در یک طومار بیش از یک کتاب نوشته نمی‌شد و به همین دلیل کتاب‌های عهد عتیق در یک جلد صحافی نشده بود.

هیچ کتاب قدیمی به اندازه کتابمقدس دارای نسخه‌های خطی متعدد نمی‌باشد. مثلاً از ادبیات قدیم یونان فقط چند نسخه خطی وجود دارد. حتی در بعضی موارد تنها یک نسخه بیشتر موجود نیست.

ولی هزاران نسخه خطی از عهد عتیق و عهد جدید در دست می‌باشد و از روی آنها می‌توانیم یک متن اصلی و معتبر تهیه نماییم. اختلاف این نسخه‌های قدیمی بسیار ناچیز و کم‌اهمیت می‌باشد و کاملاً معلوم است که نسخه برداران در کار خود بسیار دقیق بوده‌اند. می‌توان گفت که خدا به حفظ کلام مقدس خودش علاقه زیادی دارد.

عهد جدید چطور نوشته شد

تمام کتابهایی که اکنون جز عهد جدید هستند توسط رسولان مسیح و یا همراهان آنان که با آنها همکاری نزدیک داشته‌اند نوشته شده است. تقریباً تمام قسمت‌های عهد جدید در دوره کوتاه بین سال 50 تا 65 میلادی نوشته شده‌اند (در این مورد تنها استثنایی که وجود دارد رسالت یوحنا و مکاشفه است).

از این نوشتجات نسخه‌های زیادی تهیه گردید و کلیسا‌های بزرگ آن زمان نسخه‌های متعددی از این نوشتجات داشتند. این نوشتجات برای جماعت‌های کلیسایی ارزش زیادی داشت و با دقت تمام حفظ میشد.

در قرن اول میلادی، باستانی‌نویس‌هایی که عهد جدید را تشکیل دادند، آثار خطی زیادی بجود نیامد. ولی از اوایل قرن دوم بعد نوشتجات جهلی زیادی با استفاده از نام رسولان مسیح تهیه شد که بنام نوشتجات مشکوک عهد جدید معروف هستند. این نوشتجات با توجه به قراین و دلالتی که در خود مشاهده می‌شود توسط کلیساهای مسیحی مردود شناخته شده‌اند. حتی یک مطالعه سطحی نشان می‌دهد که این نوشتجات اعتباری ندارند و معلوم می‌شود که نویسندگان دارای اغراض شخصی بوده‌اند. مثلاً در یکی از این نوشتجات مشکوک چنین می‌خوانیم که عیسی مسیح در کودکی با قدرت معجز آسای خود از گل پرند درخت می‌کرد و این پرندگان با

دستور او بال و پر پیدا می کردند و به پرواز در می آمدند! در یکی دیگر از آنها به مسیح این تهمت وارد شده که جوانی را کشته است و برای اینکه بی گناهی خود را پابست کند این جوان را دوباره زنده کرده است!

معهداً در قرن دوم نوشتجات دیگری وجود دارند که معتبر هستند. این آثار برای دفاع از حقانیت تعالیم مسیح و رسولان وی در مقابل بدعت ها نوشته شده اند. این نوشتجات که بوسیله آباء کلیسا نوشته شده اند به هیچ وجه ادعای الهامی بودن ندارند بلکه برای اثبات حقانیت خود از نوشتجات رسولان نقل قول نمی نمایند.

بتدریج بیشتر روشن می شد که نوشتجات رسولان رجحان بسیار عظیمی بر سایر نوشتجات دارد. آباء کلیسا متوجه شدند که این میراث گرانبهای کلیسا نه فقط باید در مقابل هر نوع بدعت و تحریف حفظ شود بلکه لازم است برای نسلهای آینده نگهداری گردد. به همین دلیل بعد از مذاکرات مفصل در شوراهای مخصوص کلیسایی، آباء کلیسا تصویب نمودند که عهد جدید باید فقط شامل نوشتجات رسولان باشد.

رسولان شاهد عینی زندگی مسیح در این جهان بودند. آنها در مورد تعالیم مسیح اطلاعات دست اول داشتند و گفته های آنان معتبر بود. پولس به تیموتاوس می فرماید که تعالیم را به دیگران بیاموزد: «و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی بمردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند» ([دوم تیموتاوس 2:2](#)).

در مورد الهامی بودن کتابمقدس، مسیح دو فرمایش مهم فرمود. اولاً بطوریکه اشاره شد، او تاکید فرمود که مردم باید به آنچه انبیا فرموده اند (یعنی عهد عتیق) ایمان بیاورند ([لوقا 24:25](#)). ثانیاً در آخرین دستوراتی که به رسولان می فرمود به آنها ماموریت داد که تمام حقایقی را که به آنها تعلیم داده است (یعنی عهد جدید را) به همه بیاموزند: «و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم» ([متی 28:20](#)).

رسولان چطور می توانستند این فرمایش مسیح را تا انقضای عالم اجرا کنند؟ تنها بوسیله نوشتجات الهام شده خودشان که بوسیله حکمت الهی در عهد جدید تا امروز حفظ شده است.

دلیل دوم – کتابمقدس ادعا می کند که توسط الهام الهی نوشته شده است

کتابهای عهد عتیق ادعا دارند که توسط الهام الهی نوشته شده اند. این جمله بارها تکرار شده است: «خداوند چنین می فرماید.» «کلام خدا بر من نازل شد.» «خدا فرمود.» مدتها قبل بنی اسرائیل چند قرن در مصر بسر بردند. ولی فرعون مصر آنها را برده ساخت و به تدریج وضعشان غیر قابل تحمل گردید. اسرائیل نزد خدا فریاد بر آورد و خدا موسی را بر انگیخت تا آنها را از اسارت مصر آزاد سازد. وقتی از مصر خارج شدند خداوند بر آنها قانون یا شریعتی عطا فرمود و موسی به طور صریح اظهار داشت که خدا با او سخن گفته است:

«و خداوند به موسی گفت اینک من در ابر مظلم (یعنی غلیظ) نزد تو می آیم تا هنگامی که به تو سخن گویم قوم بشنوند و بر تو نیز همیشه ایمان داشته باشند. پس موسی سخنان قوم را به خداوند باز گفت» ([خروج 19:9](#)).

«چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ما است و اما چیزهای مکشوف تا ابد از آن ما و فرزندان ما است تا جمیع کلمات این شریعت را بعمل آوریم» ([تثنیه 29:29](#)).

کتاب شریعت یا تورات (یعنی پنج کتاب اول عهد عتیق) در تابوت عهد (جعبه ای زیبا که توسط دو مرد حمل می شد) قرار داده شده بود. تابوت عهد برای بنی اسرائیل خیلی مقدس بود و آنها با این کار خود به خدا نشان می دادند که شریعت را مقدس و الهی می دانند. کتاب شریعت شامل برکاتی بود که اسرائیل می توانست بر اثر اطاعت از آن بدست آورد و هم چنین شامل لعنت هایی بود که بر اثر عدم اطاعت بر اسرائیل وارد می شد ([یوشع 8:30-35](#)). روشن است که یوشع (جانشین موسی) و قوم اسرائیل شریعت موسی را کلام خدا می دانستند. نکته بسیار مهم اینست که عدم اطاعت بنی اسرائیل از شریعت همان نتایج را ببار آورد که در شریعت پیشگویی شده بود. بر اثر عدم اطاعت، قوم تنبیه شدند و از سرزمینی که خداوند به آنها داده بود به اسارت رفتند.

در عهد جدید، پولس رسول اعلام می دارد که کتابمقدس می تواند به ما حکمت ببخشد تا راه نجات را توسط ایمان به مسیح بیابیم. سپس اضافه می کند که «تمامی کتب از الهام خداست». پولس، که به یک جوان مسیحی نامه می نویسد، چنین می گوید: «و اینکه از طفولیت کتب مقدسه را دانسته ای که می تواند تو را حکمت آموزد برای نجات بوسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است» ([دوم تیموتائوس 3:15 و 16](#))

پطرس رسول به ما اطلاع می دهد که نبوت مانند نوری است که در جای تاریک می درخشد و اضافه می کند که این نبوت ها با میل مردم آورده نشده است بلکه مردان مقدس خدا بویسله روح القدس سخن گفته اند:

«و کلام انبیا را نیز محکم تر داریم که نیکو می کنید اگر در آن اهتمام کنید مثل چراغی درخشنده در مکان تاریک تا روز بشکافد و ستاره صبح در دلهاي شما طلوع کند. و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند» ([دوم پطرس 1:19-21](#)) بدین طریق ملاحظه می شود که کتابمقدس اعلام می دارد که با الهام الهی نوشته شده است.

دلیل سوم – عیسی مسیح اعلام فرمود که کتابمقدس دارای الهام الهی می باشد

خود عیسی مسیح اعلام فرمود که کتابمقدس توسط خدا الهام شده است. بارها تکرار فرمود که تمام پیشگویی های کتابمقدس عملی خواهد شد ([متی 13:14](#)، [لوقا 21:22](#)، [یوحنا 13:18](#) و [25:15](#) و [12:17](#))

عیسی مسیح به عنوان تایید صحت تورات شریعت موسی چنین فرمود: «لیکن آسانتر است که آسمان و زمین زایل شود از آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد» ([لوقا 16:17](#)).

این کلمات به طور واضح نشان می دهد که کتابمقدس واقعا کلام خداست. مسیح به شاگردان خود تعلیم فرمود که باید به تمام سخنان پیامبران ایمان داشته باشند: «او به ایشان گفت ای بی فهمان و سست دلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته اند، آیا نمی بایست که مسیح این زحمات را ببیند تا به جلال خود برسد؟ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود. . . و به ایشان گفت همین است سخنانی که وقتی با شما بودم گفتم ضروری است که آنچه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من مکتوب به انجام رسد» ([لوقا 24:25 – 27 و 44](#))

از این آیات اینطور فهمیده می شود که عیسی مسیح کتابمقدس را از الهام خدا می دانسته و عقیده داشته است که تمام گفته های آن انجام خواهد شد . او با تاکید زیاد اعلام فرمود که کسانیکه در مورد ایمان آوردن به کلام انبیا سست دل هستند ، « بی فهم » می باشند .

عیسی مسیح کلام خود را هم الهامی می داند زیرا می فرماید « آسمان و زمین زایل می شود لیکن کلمات من هرگز زایل نشود » (مرقس 13:31)

عیسی مسیح در فرمایشات خود از بیشتر کتاب های عهد عتیق نقل قول می فرماید و یا به آنها اشاره می کند و بدین طریق الهامی بودن آنها را به عنوان کلام خدا تایید می نماید (لوقا 4:17-

19 ، متی 22:31-32 ، لوقا 16:29 – 31)

چون عیسی در مورد خودش ادعا فرمود که فرزند خداست (یوحنا 10:36) ، اگر در مورد الهامی بودن کتابمقدس اشتباه کرده بود دیگر نمی توانست فرزند خدا باشد بلکه فقط یک فریبکار می بود . ولی می دانیم که عیسی مسیح در واقع راه و راستی و حیات است . بطوریکه بعداً مشاهده خواهیم کرد ، کتابمقدس که قرنهای قبل از مسیح آمدن او را پیشگویی کرد با دلایل بسیار محکم ثابت می کند که او فرزند خداست .

دلایل چهارم – کتابمقدس دارای الهام الهی است زیرا همه را به خود علاقمند می سازد

کتابمقدس هرگز قدیمی نشده است . هر سال صد ها میلیون نسخه از آن به بیش از هزار و پانصد زبان چاپ می شود.

کتابمقدس در عین حالیکه دارای سبک پر شکوهی می باشد دارای سادگی نیز هست و هم اشخاص بسیار تحصیل کرده و هم ایمانداران ساده را به سوی خود جلب می نماید . کودکان از شرح حال یوسف و سموئیل و داود و دانیال لذت می برند و اشخاص پیر ، که گذشت ایام پشت آنها را خمیده کرده است ، از کتابمقدس امید و تسلی می یابند . بزرگان لشکری و کشوری شهادت داده اند که هر روز قسمتی از کتابمقدس می خوانند و الهام می یابند . حقوقدانان یک نسخه از آنرا در دسترس دارند . میلیونها نفر از مسیحیان عادت دارند که هر روز چند فصل از آن را به طور مرتب بخوانند .

کتابمقدس برای تمام مردم ، اعم از زن و مرد و از هر طبقه و نژاد ، مناسب می باشد . یک بار وقتی در دریای جلیل طوفان بر پا شد و نزدیک بود کشتی مسیح و شاگردانش غرق شود ، مسیح با کمال آرامش فرمود « ساکن شو آرام باش » و دریا آرام گردید . عده زیادی که شرح این واقعه را در کتابمقدس خوانده اند ، شکهایشان بر طرف شده است و آرامش یافته اند . کتابمقدس زندگی است و پیام آن آرزوهای قلبی انسان را بر آورده می سازد . کتابمقدس برای تمام ملتها در تمام قرون مناسب می باشد . فقط خدا می تواند اثری بوجود آورد که برای تمام مردم مناسب باشد .

دلایل پنجم – کتابمقدس جوانان را هم به سوی خود جلب می نماید

کتابمقدس کتاب جوانان است هر چند کتاب پیران هم می باشد . کتابمقدس به طرز مخصوصی به جوانان تعلق دارد .

کتابمقدس تنها کتابی است که مطالب با ارزشی درباره انسان اولیه بیان می کند و از یک نظر جوانی افراد با دوره جوانی جهان بی ارتباط نیست .

به یقین گفت که خدا حقایق عمیق کتابمقدس را از حکما و دانشمندان مخفی کرده و به کودکان مکشوف فرموده است .

غالب قهرمانان کتابمقدس جوان بوده اند . آدم و حوا ، که اولین زن و مرد هستند ، مستقیماً توسط خدا خلق شدند . در حالیکه تواریخ دنیوی غالباً درباره مردان و زنان بزرگسال و پادشاهان و ملکه ها و سیاستمداران سخن می گویند ، کتابمقدس مطالب زیادی در باره ایام جوانی قهرمانان خود ذکر می فرماید .

مثلاً اسحق و یعقوب و موسی و داود و یوناتان و دانیال در عهد عتیق نمونه هایی از این افراد هستند . تمام اینها در ابتدا جوان بودند .

یحیی تعمید دهنده ، پولس و دوازده شاگرد مسیح در سنین جوانی در عهد جدید به ما معرفی شده اند . جوانان دوست دارند که شرح حال جوانان را بخوانند زیرا می توانند امید ها و آرزو ها و وسوسه ها و موفقیت ها و شکست های آنها را درک نمایند .

کتابمقدس پر از ماجرا های جالب می باشد که از آ جمله است شرح طوفان نوح که از آن فقط يك نفر با خانواده اش رهایی یافت ، شرح حال یوسف که به عنوان غلام به مصر برده شد ولی بعداً فرمانروای آن کشور گردید ، شرح حال داود و دوستی صمیمانه او با یوناتان ، شرح حال شدرك میشك و عبدنغوسه جوان عبری که به تنور آتش انداخته شدند ولی زنده ماندند و هم چنین شرح حال دانیال که به چاه شیران انداخته شد . اینها فقط چند نمونه از ماجرا های جالب کتابمقدس است .

بالاخره می دانیم که خود عیسی مسیح هم جوان بود . کارهای بزرگش کارهای متهورانه يك جوان است . در واقع وقتی مسیح بر بالای صلیب جان داد در سنین جوانی خود بود . کتابمقدس که کلام خداست به جوانان سخن می گوید . جوانان نی توانند در کتابمقدس ، حقیقت و هدف و الهامی بیابند که آنها را در تمام زندگی رهبری خواهد نمود .

فصل دوم

تاریخ ، صحت کتابمقدس را تایید می نماید

دلیل ششم – تحقیقات تاریخی نشان می دهد که کتابمقدس صحیح است

مدتی قبل مخالفان کتابمقدس تصور می کردند که کتابمقدس از نظر تاریخی زیادی ندارد . ولی در سالهای اخیر حتی بزرگترین شکاکان نیز متوجه شده اند که کتابمقدس از نظر تاریخی بسیار معتبر است .

يك وقت عده ای اظهار عقیده کردند که وقوع طوفانی نظیر آنچه در بابهای اول کتاب پیدایش ذکر شده است خیلی مشکوک به نظر می رسد . ولی بررسیهایی که در مصر و بابل انجام شد نشان داد که گزارشات متعددی در مورد این طوفان و هم چنین اشاراتی در باره آفرینش و عدم اطاعت انسان از دستور خدا وجود دارد . غالب این مطالب کتابمقدس به طرز غیر قابل مقایسه ای از همه عالیتر است و دلیل این امر همانا الهامی بودن کتابمقدس می باشد .

در باب یازدهم کتاب پیدایش می خوانیم که برج بابل چگونه ساخته شد :
« و گفتند بیابید شهری برای خود بنا نهیم و برجی را که سرش به آسمان برسد تا نامی برای
خویشتن پیدا کنیم مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم » (پیدایش 4:11).
مخالفان کتابمقدس اظهار می داشتند که این افسانه ای بیش نیست ولی نوشتجاتی که بعداً کشف
شدند نشان می دهد که چنین برجی وجود داشته است . هردوت مورخ یونانی که پنج قرن قبل از
مسیح می زیسته است در باره برجی سخن می گوید که هشت طبقه داشته و هر طبقه ای دارای
راه مارپیچی به سوی طبقه بعدی بوده که به بالای برج می رسیده است . آثار بابلی نشان می
دهد که برج بابل توسط نمرود ساخته است و این امر با آنچه کتابمقدس می گوید مطابقت دارد
(پیدایش 9:10) . ارتفاع این برج بیش از دویست و ده متر بود . امروزه آثار این برج به
صورت تپه ای به ارتفاع ده ها متر وجود دارد .

کتابمقدس در باره شهر اورکلدانیان به عنوان وطن اولیه ابراهیم (پدر یهودیان و اعراب) سخن
می گوید (پیدایش 31:11) . تا مدتی قبل این محل ناشناخته بود ولی امروزه باستانشناسان
قسمت مهمی از این شهر قدیمی را پیدا کرده اند .

مخالفان کتابمقدس به کتبهایی موسی حمله کرده و آنها را بی اعتبار دانسته اند و دلیلشان هم
اینست که در آن زمان هنوز الفبایی وجود نداشته است که بتوان کتاب نوشت . کشفیات شهر
اورکلدانیان ثابت کرده است که حتی قبل از زمان ابراهیم هم نوشتجاتی وجود داشته است .
پیروان نظریه تکامل اعلام داشته اند که تمدن و دانش و مذهب به تدریج به طرف تکامل رفته اند
و ولی کشفیات جدید در مورد شهر های قدیمی بار ها ثابت کرده است که تمدن های قبل از زمان
ابراهیم در سطح بسیار عالی قرار داشته اند و بعد از آن هنر و دانش در این کشور ها به طرف
انحطاط رفته است . مثلاً ساختمان هرم بزرگ مصر علمی بوده است که فقط در سالهای اخیر
مکشوف می گردد .

مخالفان کتابمقدس شرح انهدام شهر های سدوم و غموره بوسیله آتش را (پیدایش 16:18-33
و 1:19-29) افسانه می پنداشتند . بررسیهایی که اخیراً در محل این شهر ها به عمل آمده نشان
می دهد که در این زمین ها مقادیر زیادی گوگرد و قیر طبیعی وجود دارد و این امر نشان می
دهد که در این محل در زمان های قدیم فاجعه ای روی داده است .

کتابمقدس می گوید که آبهای رود اردن ناگهان متوقف گردید تا اینکه بنی اسرائیل در زمان یوشع
بتوانند از عبور کنند (یوشع 3:16) . مخالفان کتابمقدس اعلام می داشتند که چنین واقعه ای غیر
ممکن است . ولی در سال 1927 ریزش قسمتی از بستر رودخانه باعث شد که آب آن به مدت
چنین ساعت متوقف بماند !

کتابمقدس به يك قوم بسیار قوی به نام حتیان اشاره می کند . تا قبل از پایان قرن نوزدهم هیچ
اطلاع تاریخی در مورد این قوم وجود نداشت . مخالفان کتابمقدس این را هم یکی دیگر از
اشتباهات کتابمقدس می دانستند . ولی باستانشناسان ثابت کرده اند که این قوم یکی از قویترین
ملل قدیم بوده است .

سرزمین ادوم هم یکی دیگر از این نمونه ها است که در عهد عتیق مذکور می باشد . در تاریخ
هیچ ذکری از این سرزمین وجود نداشت ولی در اواخر قرن نوزدهم در آثار مصری و آشوری
اشارتی به ادوم یافت شد . اکتشافات بعدی باعث شد که پایتخت ادوم یعنی پترا کشف گردد . این
شهر از صخره های سنگی ساخته شده بود . امروزه پترا از مهمترین مراکز جلب سیاحان در
سرزمین های کتابمقدس است .

مخالفان کتابمقدس ادعا می کردند که دانیال نمی توانست نویسنده کتابی باشد که به اسم او
معروف و شامل پیشگویی های حیرت انگیزی می باشد که به طرز عجیبی انجام شده اند . این

مخالفتان ادعا می کردند که این کتاب جعلی بوده و سالها بعد از وفات دانیال نوشته شده است . ولی به این نکته توجه نشده است که پیشگویی های دانیال حتی سالها بعد از تاریخی که مخالفتان بری نوشته شدن آن تعیین کرده اند پیوسته در حال تحقق یافتن بود . در واقع دانیال مصلوب شدن مسیح را در حدود پانصد سال قبل از آن واقعه پیشگویی کرد (دانیال 24:9) .

در باب پنجم کتاب دانیال ذکر شده است که وقتی داریوش بابل را فتح کرد بلشصر پادشاه بود ولی تاریخ می گوید که پادشاه بابل نبوندرز بود . منقدین کتابمقدس این اختلاف را دلیلی بر نادرستی کتابمقدس می دانستند . ولی کشفیات اخیر نشان می دهد که بلشصر همراه پدر خود نبوندرز با هم سلطنت می کردند . بدین طریق يك بار دیگر ثابت شد که کتابمقدس درست است و منقدین دچار اشتباه هستند .

می توانیم به بحث خود ادامه دهیم و مثالهای بیشماري در مورد صحت تاریخی کتابمقدس ذکر کنیم . ولی همین چند مورد کافی است نشان دهد که در هر موردی که مخالفتان سعی کرده اند در مردم شك ایجاد کنند ، تحقیقات باستانشناسی بعد از مدتی صحت کتابمقدس را تایید کرده است .

دلیل هفتم – کتابمقدس محل تولد مسیح را پیشگویی کرده است .

پانصد سال قبل از تولد مسیح ، میکاه نبی اعلام کرد که شخصی متولد می شود که «طلوع او از قدیم و از ایام ازل بوده است» . این به طور واضح اشاره ای است به اینکه مسیح قبل از اینکه جسم بپوشد ، از ازل وجود داشته است . به علاوه میکاه پیشگویی کرد که مسیح در بیت لحم متولد خواهد شد :

« و تو ای بیت لحم افراشته اگر چه در هزاره های یهودا كوچك هستی از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من اسراییل حکمرانی و طلوع او از قدیم و از ایام ازل بوده است » (میکاه 2:5) .

حتی چند هفته قبل از تولد مسیح ، مریم مادر عیسی که وضع حملش نزدیک بود در شهر ناصره اسراییل زندگی می کرد . حتی مریم فکر نمی کرد که باید به زودی به بیت لحم سفر نماید . ولی وقایعی که خارج از کنترل او بود باعث شد که مریم به این سفر برود . آگستس امپراطور روم فرمان داد که از تمام مردم جهان مالیات گرفته شود . به همین دلیل مریم و شوهرش یوسف مجبور بودند برای ثبت نام به زادگاه خود بروند . وقتی به بیت لحم وارد شدند ، هیچ جایی برای سکونت پیدا نکردند و مریم مجبور شد در آخوری فرود آید و در همان جا بود که عیسی متولد گردید .

بدین طریق عیسی در شهر بیت لحم به دنیا آمد یعنی همان شهری که میکاه نبی پانصد سال قبل از تولد وی پیشگویی کرده بود . اگر الهام خدایی وجود نداشت میکاه چگونه می توانست این موضوع را بداند ؟

دلیل هشتم – لازم بود مسیح از دختر باکره متولد شود

معجزه آسا بودن تولد مسیح نباید باعث تعجب گردد . چون «طلوع های او از قدیم و از ایام ازل بوده است» پس تولد او باید به معنی مجسم گشتن یا انسان شدن خدا باشد و به همین دلیل لازم بود تولد او با تولدهای دیگر تفاوت داشته باشد و پیشگویی پیامبران هم همین بوده است :

«بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد : اینك باكره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوییل (یعنی خدا با ما) خواهد خواند» (اشعیا 7:14) .

مریم ، مادر عیسی ، وقتی اولین فرزند خود را به جهان آورد باکره بود :

« اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود ، قبل از آنکه با هم آیند ، او را از روح القدس حامله یافتند » (متی 1:18) .

دلیل نهم – کتابمقدس زمان دقیق تولد مسیح را پیشگویی کرد

پیامبر توسط الهام روح القدس نه تنها توانست محل تولد مسیح را پیشگویی کند بلکه زمان تولد او را هم پیشگویی کرد . کتابمقدس به طور دقیق زمان تولد مسیح را پیشگویی کرد . این موضوع برای دانیال نبی روشن شد . به این پیامبر گفته شد که مسیح «منقطع» خواهد گردید یعنی کشته خواهد شد و این واقعه بعد از شصت و نه هفته و سال و یا 483 سال بعد از صدور فرمان بنای مجدد اورشلیم خواهد بود (دانیال 9:24 و 25) . بدین طریق دانیال نبی پانصد سال قبل از تولد مسیح تاریخ تولد او را تعیین کرد .

دلیل دهم – کتابمقدس نوع خدمات مسیح را پیشگویی کرد

پیامبران پیشگویی کردند که مسیح چه نوع خدمات و کارهایی انجام می دهد :
«روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسران را به رستگاری و مجوسان را به آزادی ندا کنم و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم » (اشعیا 1:61 و 2)

عیسی مسیح خداوند بشارت انجیل را موعظه خواهد کرد . ولی علاوه بر آن شکسته دلان را التیم خواهد بخشید و اسیران را رستگار خواهد ساخت و کوران را بینا خواهد نمود . و این درست همان کارهایی بود که عیسی مسیح انجام داد . او بوسیله انجام معجزات بزرگ ، صحت کارهایی خود را تایید فرمود . یحیی تعمید دهنده ، که آمدن مسیح را مژده می داد ، شاگردانی نزد مسیح فرستاد و از او پرسید « آیا آن آینده تویی یا منتظر دیگری باشیم ؟ » عیسی اینطور جواب داد :
« بروید و یحیی را از آنچه شنیده و دیده اید اطلاع دهید که کوران بینا می گردند و لنگان به رفار می آیند و ابرصان طاهر و کران شنوا و مردگان زنده می شوند و فقیران بشارت می شوند » (متی 11:4 و 5) .

این معجزات و این آیات و نشانه هایی که عیسی انجام دهد باعث شد که در مدت کوتاه سه سال و نیم خدمت خود این همه پیرو پیدا کند .

فصل سوم

علم ثابت می کند که کتابمقدس کلام خداست

دلیل یازدهم – کتابمقدس اعلام می کند که دنیا کروی شکل است

تا حدود پنج قرن قبل ، همه فکر می کردند که زمین مسطح است . این نظر ظاهراً صحیح بود . عده ای از دانشمندان که وضع آسمان را مطالعه کرده بودند به خود جرات دادند و گفتند زمین کروی است . ولی برای این نظری که داشتند مورد تحقیر و آزار قرار گرفتند زیرا بزرگترین

دانشمندان آن دوره معتقد بودند که زمین مسطح است . ولی کتابمقدس اعلام کرده اسن که دنیا کروي است :

« آیا ندانسته اید و نشنیده اید و از ابتدا به شما خبر داده نشده است و از بنیاد زمین نفهمیده اید ؟ اوست که بر کره زمین نشسته است و ساکنانش مثل ملخ می باشند ، اوست که آسمانها را مثل پرده می گستراند و آنها را مثل خیمه به جهت سکونت پهن می کند » (اشعیا 22-21:40)

بدین طریق در حدود 2600 سال قبل ، اشعیا نبی اعلام داشت که دنیا کروي است . کسانیکه ادعا می کردند دنیا مسطح است عقیده داشتند که در زمین ستونهای عظیمی وجود دارد که دنیا بر روی آنها قرار گرفته است ولی نویسنده کتاب ایوب می دانست که چنین ستونهایی وجود ندارد . او می گوید که دنیا در فضا معلق است :

« شمال را بر جو پهن می کند و زمین را بر نیستی آویزان می سازد » (ایوب 7:26) .

دلیل دوازدهم – کتابمقدس اعلام می کند که زمین حرکت وضعی

دارد

کتابمقدس به این حقیقت توجه دارد که کره زمین بدور محور خود می گردد . وقتی عیسی در باره برگشت خود سخن می گفت فرمود که « چون برق که از یک جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب دیگر زیر آسمان درخشان می شود ، پسر انسان در یوم خود همچنین خواهد بود » (لوقا 24:17) .

او فرمود که در مدتی کوتاه ، معادل زمانی مع برای برق زدن لازم اس ، در یک جا روز خواهد بود (لوقا 33-30:17) ولی در جای دیگر شب خواهد بود (ایه 34) . برای کسانیکه در گذشته زندگی می کردند باور کردن این نکته محال بود . چطور امکان داشت که در یک جا شب باشد و در جای دیگر روز ؟ این امر فقط وقتی امکان داشت که یک طرف کره زمین تاریک باشد و طرف دیگر روشن . عیسی این حقیقت را از کجا می دانست ؟ این حقیقت را می دانست زیرا دارای الهام الهی بود .

دلیل سیزدهم – کتابمقدس متجه بود که تعداد ستارگان بی شمار

است

قبل از اختراع تلسکوپ مردم تصور می کردند که در آسمان فقط چند هزار ستاره وجود دارد . در حدود پنجاه سال قبل متوجه شدند که تعداد ستارگان به صدها میلیون می رسد . ولی در بیست و پنج سال اخیر متوجه شده اند که شمردن تعداد ستارگان عملا امکان ناپذیر است . بیلیونها تریلیون ستاره وجود دارد . ولی 4000 سال قبل خدا با ابراهیم سخن گفت و فرمود « اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هر گاه آنها را توانی شمرد . پس به وی گفت ذریت تو چنین خواهد بود » (پیدایش 5:15) . ارمیا 22:33 چنین می فرماید « چنانچه لشکر آسمان را نتوان شمرد و ریگ دریا را قیاس نتوان کرد ، همچنان ذریت بنده خود داود را ... زیاده خواهم گردانید . »

علمای زمان قدیم از این حقیقت بی خبر بودند . ولی کتابمقدس از این حقیقت اطلاع داشت . چطور ؟ زیرا خدا مؤلف آن بود .

دلیل چهاردهم – کتابمقدس به برق یا الکتریسیته (رادیو) برای رسانیدن صدا از جایی به جای دیگر اشاره می کند

« آیا برقها را می فرستی تا روانه شوند و به تو بگویند اینک حاضریم ؟ » (ایوب 38:35) .
برق زدن بر اثر الکتریسیته به وجود می آید . به عبارت دیگر در آیه بالا خدا از ایوب می پرسد که آیا می تواند امواج رادیو را کنترل کند تا حرفها را از جایی به جای دیگر ببرند . ایوب درباره رادیو هیچ نمی دانست ولی خدا این خصوصیت عجیب الکتریسیته را می دانست . امروزه صدای انسان بوسیله امواج رادیو به دورترین نقاط جهان انتقال می یابد .

دلیل پانزدهم – کتابمقدس می دانست که در مرکز زمین آتش هست

« ژرفهایش (یعنی ژرفهای زمین) مثل آتش سرنگون می شود » (ایوب 5:28) .
دانش امروزی درباره پوسته زمین اطلاعات تقریباً دقیقی دارد . به طور متوسط حرارت زمین در هر سی متر عمق یک درجه بالاتر می رود . پوسته زمین که در حدود سی تا هفتاد کیلومتر ضخامت دارد جامد است ولی در داخل مانند آهن گداخته مذاب می باشد . علم فقط در سالهای اخیر به این حقیقت پی برده است . ولی نویسنده کتاب ایوب می دانست که در داخل زمین آتش دائمی وجود دارد .

دلیل شانزدهم – کتابمقدس اختراع تلویزیون را پیشگویی کرده است

کتابمقدس می گوید که در ایام آخر فرمانروایی ظهور خواهد کرد که بر ضد مسیح خواهد بود . این ضد مسیح یا دجال با دو پیامبر الهی جنگ خواهد کرد و بالاخره موفق خواهد شد که آنها را در شهر اورشلیم به قتل برساند . سپس دجال که سرمست غرور می باشد جسد های آنها را مدت سه روز و نیم در خیابان باقی خواهد گذاشت . « و گروهی از اقوام و قبایل و زبانها و امتهای بدن های ایشان را سه روز و نیم نظاره می کنند و اجازت نمی دهند که بدن های ایشان را به قبر سپارند » (مکاشفه 9:11) . این امر چطور امکان خواهد داشت ؟ تا بیست و پنج سال قبل این کار غیر ممکن بود ولی حالا بوسیله تلویزیون صدها میلیون نفر می توانند یک واقعه را در یک زمان ببینند . با استفاده از ماهواره های تلویزیونی مردم تمام جهان می توانند یک واقعه را همزمان با یکدیگر مشاهده کنند .

دلیل هفدهم – کتابمقدس اختراع اتوموبیل را پیشگویی کرده است

« عرابه ها در روز تهیه او از فولاد لامع است . . . عرابه ها را در کوچه ها به تندي می رانند . در چهار سو ها بهم بر می خورند . نمایش آنها مثل مشعل هاست و مانند برق ها می دوند » (ناحوم 3:2 و 4) .

این یکی از برجسته ترین پیشگویی های کتابمقدس است . جزییات پیشگویی اختراع اتوموبیل به قدری دقیق است که در مورد آن نمی توان سوء تفاهمی داشت . این خودروهای عجیب که ناحوم در رویای خود دید مانند مشعل بودند که اشاره ای است به چراغ های پر نور اتوموبیل های امروزی . رانند تند همان کاری است که توسط اتوموبیل های ما انجام می شود و به طور خلاصه این دو آیه اشاره ای است به ترافیک شلوغ و خطرناک امروزی در شهر های بزرگ جهان .

ناحوم در رویای خود مشاهده کرد که این خودرو ها « مانند برقها می دوند» و « در چهارسو ها به هم بر می خورند ». اتمومیلهای امروزی طوری ساخته شده اند که می توانند بیش از صد و پنجاه کیلومتر در ساعت سرعت داشته باشند و برای ناحوم که با سرعت حرکت شتران آشنا بود این سرعتی که در رویا مشاهده نمود مانند برق جلوه کرد .

فصل چهارم

پیشگویی های انجام شده که صحت کتابمقدس را ثابت می کنند

حداقل نیم میلیون نفر از مردم جهان ایمان دارند که کتابمقدس کلام خداست و الهام شده می باشد و حقایق مربوط به زندگی پس از مرگ را به ما نشان می دهد و دارای پیام نجات و زندگی ابدی است . این ها این موضوع را از کجا می دانند ؟ آیا دلیل قاطعی دارند که نشان دهد کتابمقدس دارای الهام الهی است ؟ آیا دلیلی دارد که دادگاه پسند باشد ؟ بلی چنین دلایلی دارند و این دلایل بسیار محکم می باشد .

در فصل قبل بعضی از پیشگویی های مربوط به اختراعات و کشفیات علمی را که سالها قبل انجام شده بود ذکر کردیم . پیشگویی های بسیار دیگری وجود دارد که در آنها پیامبران مقدس الهی حوادث صدها و حتی هزاران سال بعد نبوت رده اند . انجام یافتن این پیشگویی ها به قدری حیرت انگیز است که هر شخص بی غرضی قبول خواهد کرد که بدون الهام الهی این امر امکان پذیر نیست . حالا به چند پیشگویی در این مورد اشاره خواهیم کرد :

دلیل هجدهم – پیشگویی چهار امپراطوری جهانی

« قوای پادشاه می دیدی و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشنده آن بی نهایت و منتظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد . سر این تمثال از طلاي خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود و ساقهایش از آهن و پاهایش قدری از آهن و قدری از گل بود . و مشاهده می نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده پاهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت . آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاه خرمن تابستانی گردیده نشد و آن سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت » (دانیال 2:31-35) .

این نبوت حیرت انگیز چهار امپراطوری جهانی هم در باب دوم دانیال و هم در باب هفتم آن یافت می شود . در این دو باب شرح داده شده است که پیامبر چگونه در رویا ظهور و انقراض چهار امپراطوری جهانی را یکی پس از دیگری مشاهده کرد . این چهار امپراطوری عبارت بودند از بابل ، ماد و پارس ، یونان ، روم . در باب دوم دانیال در رویای تمثال یا مجسمه عظیم ، سرطانی بمنزله امپراطوری بابل است . بازو ها و سینه نقره ای بمنزله دو امپراطوری ماد و پارس است که بعد از بابل ظهور کرد . شکم و رانهای برنجین امپراطوری یونان و دو ساق آهنین امپراطوری روم بود . دو ساق در امپراطوری روم نشان دهنده روم شرقی و روم غربی بود .

تحقق عجیب این پیشگویی ثابت می کند که دانیال که در حدود 2500 سال قبل زندگی می کرد دارای الهام الهی بود . به قول یکی از نویسندگان : « در کتابمقدس پیشگویی های صحیحی یافت می شود که در جای دیگری وجود ندارد » .

ولی عجیبترین قسمت پیشگویی دانیال اینست که درباره امپراطوری پنجم می گوید که امپراطوری یا ملکوت خداست که تا ابد پایدار خواهد بود :

« و در ایام این پادشاهان ، خدای آسمان ها سلطنتی را که تا ابدالابد زایل نشود برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد بلکه تمامی آن سلطنت ها را خرد کرده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا ابد الابد استوار خواهد ماند » (دانیال 2:44) .

دلیل نوزدهم – صور ، بزرگترین شهر دریایی ، طبق پیشگویی کتابمقدس نابود شد

« بنابراین خداوند یهوه چنین می گوید : هان ای صور من به ضد تو می باشم و امتهای عظیم بر تو خواهم بر انگیزم بنهجیکه دریا امواج خود را بر می انگیزاند و حصار صور را خراب کرده برجهایش را منهدم خواهند ساخت و غبارش را از آن خواهند رفت و آنرا به صخره صاف تبدیل خواهم نمود و او محل پهن کردن دامها در میان دریا خواهد شد زیرا خداوند یهوه می فرماید که من این را گفته ام . . . سنگها و چوب و خاک تو را در آب خواهند ریخت . . . و بار دیگر بنا نخواهی شد زیرا خداوند یهوه می فرماید . من که یهوه هستم اینرا گفته ام » (حزقیال 26:3-5 و 12-14) .

چهار یا پنج قرن قبل از مسیح ، صور یکی از نیرومندترین شهر های جهان بود . ساکنان آن از معروفترین دریانوردان و تجار جهان آنروز بودند . شهر به صورت بسیار محکمی ساخته شده بود و در دریای شمال فلسطین دارای موقعیت سوق الجیثی خیلی حساسی بود . ولی این شهر پر از شرارت بود و به سبب همین گناهان ، حزقیال نبی محکومیت آن را اعلام کرد .

پيامبر پیشگویی کرد که دیوار های شهر فرو ریخته خواهد شد و حتی غبار هم از روی شهر پاک خواهد گردید . پیشگویی چنین ادامه یدا می کند « سنگها و چوب و خاک تو را در آب خواهند ریخت . » واقعاً این پیشگویی عجیب و غریب است و چنین به نظر می رسد که احتمال تحقق آن کم می باشد .

ولی زمانی فرا رسید که نبوکدنصر پادشاه بابل ، صور را تصرف کرد و دیوارها و برج های آن را منهدم ساخت . مردم شهر چیزهای قیمتی را به جزیره ای در يك و نیم کیلومتری شهر قرار داشت منتقل داده بودند . بدینطریق سنگها و خاک و چوب حالا در آب قرار داشت . پیشگویی تا حدی انجام شده بود ولی نه بطور کامل .

سپس دو قرن بعد نیروهای فاتح اسکندر کبیر بر این شهر حمله کردند . اسکندر از اهالی شهر خواست که تسلیم شوند ولی آنها که از استحکامات جزیره خود اطمینان داشتند پیشنهاد او را قبول نکردند .

ولی اسکندر کبیر از ساحل راهی به طرف جزیره درست کرد . او «سنگها» و «خاک» و «چوب» را جمع کرد و به دریا ریخت و از راه جدیدی که درست شد با سپاهیان خود به شهر حمله برد و آنرا فتح کرد .

امروز بعد از 2500 سال يك قسمت دیگر از نبوت حزقیال در مورد صور انجام شده است. نبوت این است : « و او محل پهن کردن دامها در میان دریا خواهد شد . . . و بار دیگر بنا نخواهی شد

. « جزیره صور اکنون يك شهر كوچك و كم اهميت چند هزار نفري است ولي شهر بزرگ ساحلي صور كه در زمان نبوكدنصر منهدم گرديد براي هميشه نابود شده است . ماهیگیران در سواحل شهر ویران شده دامهاي خود را به دريا مي اندازند و نبوت پیامبر را به انجام مي رسانند .

ولي شهر صيدون تا كنون پايدار است

در شمال صور شهر ديگري به نام صيدون قرار داشت. حزقيال نبي در مورد شهر پيشگويي كاملا متفاوتي كرد . پيشگويي در مورد پيدون اين نبود كه منهدم خواهد شد بلكه اين بود كه كوچه هايش خونين خواهد شد و شمشير بر ضد آن خواهد بود . نبوت درباره صيدون اين است : « خداوند يهوه چنين مي فرمايد : اينك اي صيدون من به ضد تو هستم و خويشتن را در ميان تو تمجيد خواهم نمودئ و حينيكه بر او داوري كرده خويشتن را در وي تقديس نموده باشم . . . و وبا در او و خون در كوچه هايش خواهم فرستاد و مجروحان به شمشيري كه از هر طرف بر او مي آيد در ميانش خواهند افتاد . پس خواهند دانست كه من يهوه هستم » (حزقيال 24-22:28) . هر چند صيدون به سختي محكوم شده است ولي در پيشگويي پیامبر سخني از انهدام مانند صور به ميان نيامده است . هر چند صور كاملا منهدم گرديد ، صيدون تا كنون پايدار مانده است . صيدون تاريخ پر فراز و نشيبي داشته است . بار ها محاصره شده و تسخير گرديده و دوباره رهايي يافته است . در وكوچه هاي آن خونها جاري شده و بارها به شمشير افتاده است . ولي تا امروز وجود دارد .

دليل بيستم – مراجعت يهوديان به اسراييل

شرح مراجعت يهوديان يك معجزه حيرت آور است . در واقع زندگي قوم اسراييل هميشه معجزه آسا بوده است . خدا به طرز معجزه آسا بوده است . خدا به طرز معجزه آسا و خارق العاده اي در حدود 4000 سال پيش پدر قوم اسراييل يعني ابراهيم را خواند . آزادي اسراييل از مصر و از اسارت فرعون بوسيله رهبر بزرگشان موسي خود معجزه عظيمي است . كتابمقدس كه توسط پیامبران اسراييل نوشته شد نمونه اي از الهام معجزه آساي خداست . تولد مسيح موعود به عنوان انجام پيشگوييهاي كتابمقدس بزرگتر از تمام معجزات است . بالاخره مراجعت قوم خدا به سرزمين خود بعد از 1900 سال آوارگي طبق پيشگويي پیامبران از بزرگترين معجزات اين عصر است .

چرا اسراييل قرنها در ميان ساير ملل پراكنده بود؟ براي درك اين مطلب بايد توجه داشته باشيم كه موسي به آنها وعده داده بود كه اگر خدا را اطاعت كنند بركات الهي را خواهندديد ولي اگر شريعت را اطاعت ننمايند دچار محكوميت خواهند شد. اگر نافرمانی کنند بجای اینکه برکت بیابند ، لعنت خواهند یافت و از سرزمین خود بیرون رانده خواهند شد :

« و واقع مي شود چنانكه خداوند به شما شادي نمود تا به شما احسان كرده شما را بيفزايد ، همچنين خداوند بر شما شادي و خاهد نمود تا شما را هلاك و نابود گرداند و ريشه شما از زميني كه براي تصرفش در آن داخل مي شود كنده خواهد شد . و خداوند تو را در ميان جميع امت ها از كران زمين تا كران ديگرش پراكنده سازد و در آنجا خدايان غير را از چوب و سنگ كه تو و پدراننت نشناخته ايد عبادت خواهي كرد و در ميان اين امت ها استراحت نخواهي يافت و براي كف پاييت آرامي نخواهد بود » (تثنیه 28:62-65) .

این پیشگویی در زمان حمله آشوری ها و بابلی ها و هم چنین بطور قطع در سال 70 میلادی بوسیله حمله رومی ها و خرابی اورشلیم مرکز اسرائیل انجام شد .
اما هر چند تنبیه اسرائیل در طی قرون متمادی خیلی شدید بوده است ولی پایانی دارد . بالاخره همانطوریکه از پیشگویی ها می توان فهمید بنی اسرائیل به سرزمین خود مراجعت می نمایند .
در نبوت ها اینطور می خوانیم که بعد از اینکه اسرائیل تنبیه شد و قرن ها پراکنده گردید ، در زمان معین به کشور خود مراجعت خواهد کرد . بعنوان يك نمونه از این نبوت ها در اینجا حزقیال باب 36 را ذکر می کنیم :

« و شما را از میان امت ها می گیرم و از جمیع کشور ها جمع می کنم و شما را در زمین خود در خواهم آورد . . . و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده دل گوشتین به شما خواهم داد . و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما بفریاض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته آن ها را بجا آورید و در زمینی که به پدران شما دادم ساکن شده قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود . .
خداوند یهوه چنین می فرماید : در روزیکه شما را از تمامی گناهانتان طاهر سازم شهر ها را مسکون خواهم ساخت و خرابها معمور خواهد شد و زمین ویران که به نظر جمیع رهگذران خراب می بود شیار خواهد شد و خواهند گفت این زمینی که ویران بود مثل باغ عدن گردیده است و شهر هاییکه خراب و ویران و منهدم بود حصار دار و مسکون شده است و امت هاییکه به اطراف شما باقی مانده باشند خواهند دانست که من یهوه مخروبات را بنا کرده و ویرانه ها را غرس نموده ام ، من که یهوه هستم تکلم نموده و به عمل آورده ام » (حزقیال 24:36 و 26-28 و 33-36) .

شرح مراجعت قوم اسرائیل به فلسطین بسیار حیرت آور است . در زمان جنگ جهانی اول صنایع جنگی انگلستان به کمبود استن که برای ساختن مهمات خیلی لازم بود دچار گشتند . مقامات دولتی انگلیس از دکتر چایم وایزمن که یک شیمی دان سرشناس یهودی بود درخواست کردند که آنها را در حل این مشکل کمک کند . دکتر وایزمن این درخواست را پذیرفت و بزودی مشکل را حل کرد . دولت انگلیس در ازای این خدمت مهم ، تصمیم گرفت پاداش مناسبی به دکتر وایزمن بدهد . وقتی موضوع به دکتر وایزمن اطلاع داده شد او گفت که چیزی برای خودش نمی خواهد ولی مایل است برای آزادی قوم یهود از آوارگی در میان ملل قدیمی برداشته شود .
بدین طریق بود که هدفهای صهیونیزم مورد شناسایی و در دوم نوامبر سال 1917 طی اعلامیه بالفور اعلام گردید که دولت انگلیس موضوع مراجعت یهودیان به فلسطین را با نظر مساعد می نگرد .

تقریباً يك ماه بعد از این اعلامیه ، اورشلیم بدست انگلیس ها افتاد و جامعه ملل هم بعداً اعلامیه بالفور را تایید کرد . بعد از این تصمیم ارض مقدس تحت الحمایه انگلستان گردید و بدین طریق راه برای مراجعت یهودیان به فلسطین هموار شد .
بزودی تغییرات عظیمی در کشور حاصل شد . میلیون ها درخت توسط مهاجران جدید کاشته شد . تمام باطلاق ها را خشک کردند . بر اثر کوشش و تلاش بی حد ، کشور کاملاً آباد شد . راه های زیادی ساختند و کارخانه های جدید وارد کردند . وضع شهر ها و دهات به کلی دگرگون شد و تعداد یهودیان به دو میلیون نفر رسید .

تنبیه قوم اسرائیل و پراکندگی آنها در جهان طبق پیشگویی پیامبران انجام شد . امروز بعد از 1900 سال این قوم به وطن خود مراجعت کرده است و این امر هم درست مطابق پیشگویی انبیا انجام می شود . کتابمقدس چطور توانسته است حوادث را هزاران سال قبل از وقوع پیشگویی نماید ؟ تنها علت اینست که پیامبران با قدرت و حکمت روح القدس سخن گفته اند .

چرا باید کتابمقدس را به عنوان کلام خدا بپذیریم

فقط يك خدای حقيقي وجود دارد . خدا که خالق تمام کائنات می باشد ، از ازل وجود داشته است . خدا خدائی است نیکو و پر از محبت . انسان را برای دوستی و مصاحبت با خودش خلق فرمود . ولی انسان فریب شیطان را خورد و علیه خدا عصیان کرد و گناه ورزید و از آن زمان به بعد انسان از خدا جدا می باشد و این خود بزرگترین تنبیه است .

خدا برای اینکه انسان را به مصاحبت با خالق خود برگرداند ، اراده و نقشه مقدس و عالی خود را در کلامش یعنی در کتابمقدس آشکار فرمود . به انسان این فرصت داده شد که قبل از وقوع بداند که فرزند خدا یعنی مسیح به جهان خواهد آمد و به خاطر گناهان ما جان خود را فدا خواهد ساخت . وعده های آمدن مسیح در عهد عتیق ذکر شده است .

عهد جدید ، که شامل تعالیم مسیح و دستورات خدا در مورد کلیسا می باشد ، به همه توانایی می دهد که يك زندگی صحیح و با دوام و پیروزمندانه مسیحی داشته باشند .

اگر مسیح را در زندگی خود بپذیریم خدا گناهان ما را خواهد بخشید و درست مثل شخصی خواهیم بود که هرگز گناه نکرده است . چون از گناه آزاد شده ایم ، با وجودیکه در جهان زندگی می کنیم می توانیم با خدا مصاحبت و دوستی داشته باشیم . وقتی زندگی ما در این جهان به پایان برسد ، تا ابد در ملکوت خدا به سر خواهیم برد .

مرگ مسیح بر روی صلیب برای شما چه مفهومی دارد

چند لحظه درباره روزی که مسیح مصلوب گردید فکر کنیم . او در میان آسمان و زمین آویزان شده و تماشاگاه مردم و فرشتگان بود و عذاب و شکنجه او هر لحظه غیر قابل تحمل تر می شد . اعدام شدن بوسیله صلیب تمام درد های مرگ را در يك جا جمع می نماید ، تشنگی ، تب ، رسوایی عنی ، عذاب طویل المدت .

حالا وقت ظهر بود یعنی روشنترین ساعت روز . ولی بر عکس ، تاریکی و ظلمت زمین را فرا گرفت .

طبیعت ، که نمی توانست شاهد چنین منظره ای باشد ، نور خود را پس گرفت و آسمان تاریک شد . این تاریکی بر روی تماشاگران تاثیر قوی داشت . آنها دیگر مسخره و سرزنش نمی کردند . مردم به تدریج محل را ترک می کردند و عیسی را تنها می گذاشتند که به تنهایی در منتهای خفت و خواری جان بدهد .

ولی هنوز موضوعی وحشتناک تر در پیش بود . عیسی که پیوسته با خدا مصاحبت و یگانگی داشت متوجه شد که هم مردم و هم خدا او را ترک کرده اند . فریاد مسیح حتی امروز ما را به لرزه در میاورد :

« الهی ، الهی ، مرا چرا ترك كردي؟ »

از قرار معلوم خدا فقط يك چیز را از فرزند خود مسیح پنهان داشته بود زیرا ممکن بود حتی او قدرت تحمل آن را نداشته باشد . عیسی این حقیقت تلخ را فقط در آخرین لحظات عمر خود بر روی صلیب درک کرد . وقتی خورشید روی خود را در تاریکی پوشانید ، حضور خدا هم ناپدید شد . عیسی بار ها دیده بود که مردم او را ترک کرده بودند ، ولی هر بار با اطمینان به سوی پدر آسمانی خود رو می آورد . ولی این بار حتی خدا هم او را ترک کرده بود !

خدا واقعا او را ترک کرده بود . هر چند این امر چند لحظه بیشتر طول نکشید ولی واقع شد . دلیل آن هم روشن است ، در آن لحظات تمام گناهان جهان با تمام زشتی و قباحت خود بر روی عیسی قرار گرفت .

عیسی گناه شد : « زیرا او را که گناه شناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم » (دوم قرنتیان 5:21) .

در اینجاست که می توانیم دلیل این واقعه را بفهمیم . مسیح به خاطر ما گناه شد . او گناه جهان را بر خود گرفت و این شامل گناهان من و تو نیز هست . به همین دلیل لازم بود که مجازات گناه را هم قبول کند .

و حالا بالاخره پایان ماجرا نزدیک می شود . از دست دادن خون ایجاد تشنگی بی حد می نماید . عیسی فریاد کرد « تشنه ام » . او که بر صلیب آویزان شد تشنه گردید . او اکنون همان کسی است که عطش روح ما را فرو می نشاند : « هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد » (یوحنا 37:7) .

لحظه نهایی فرا رسید . عیسی سر خود را پایین انداخت و وقتی جان می داد فرمود « تمام شد » . نجات و رستگاری انسان انجام شد . این نجاتی نبود که بوسیله شریعت و روزه و ریاضت و زیارت بدست می آید .

این نجات بطور کامل انجام شده است . دیگر لازم نیست که ما با کارهای خودمان آن را تکمیل نماییم . هیچ چیز دیگری لازم نیست انجام دهیم بلکه فقط باید آنرا بپذیریم . احتیاجی به تلاش و کوشش وجود ندارد بلکه لازم است آنچه را که خدا با فداکاری بی حد آماده کرده است به آرامی قبول نماییم .

بدین طریق عیسی برای نجات ما جان داد . ولی سه روز بعد با پیروزی پر جلال زنده شد و دیگر هرگز نمی میرد . به همین دلیل می فرماید « از این جهت که من زنده ام ، شما هم خواهید زیست » (یوحنا 14:19) .

خدا هر کاری را که لازم بوده انجام داده است تا تو بتوانی حیات ابدی داشته باشی . او جریمه گناهان را به طور کامل پرداخت نموده است . حالا تو باید او را بپذیری . خدا تمام افکار باطنی تو را می داند . اگر تو عیسی مسیح فرزند خدا را صمیمانه در قلب خود جا بدهی ، تولد جدید پیدا خواهی کرد . تو فرزند خدا خواهی شد و خدای پدر ، پدر تو خواهد گردید .

پایان

<http://hayatdarmasih.blogfa.com>

<http://ketabhayemasihi.blogfa.com>